

# روژان

بهار کرباسی



انتشارات شادان

پاییز ۱۳۹۱

# روژان



نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

فروشگاه (آینده):

تهران، کوی نصر، بین خیابان یازدهم و سیزدهم.

شماره ۲۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۹۶۶۰ - ۸۸۲۷۴۶۷۷

[www.shadan-pub.com](http://www.shadan-pub.com)

[shadan@shadan-pub.com](mailto:shadan@shadan-pub.com)

نویسنده: بهار کرباسی

نوبت چاپ: دوم - پاییز ۱۳۹۱

ویراستار: رضی پور

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۲-۷

کتابخانه ملی: ۲۷۷۹۴۱۶

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۹۸۰۰۰ ریال

کرباسی، بهار

روژان - نویسنده: بهار کرباسی

تهران: شادان ۱۳۹۱ ۵۷۲ صفحه /

(رمان ۱۱۴۳)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۲-۷

ISBN: 978-964-2919-72-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

۹ و ۱۷۴ ر / PIR ۸۱۸۴

۱۳۹۱

کتابخانه ملی ایران

۸۶۳/۶۲

۲۷۷۹۴۱۶

یادآوری: کلاه حقش این اثر متعلق

به انتشارات شادان می باشد و هر گونه

استفاده از آن یا مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای

دانلود رایگان

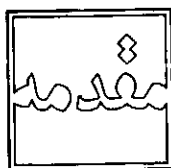
استفاده از کتابهای شادان برای قرار

دادن در سایت های مختلف - به هر شکل -

غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

زندگی، نه برای خویش...

بعضی آدم‌ها انگار برای خودشان به دنیا نیامده‌اند و خواسته‌ای از زندگی ندارند. حتی این را هم خود و هم بقیه قبول کرده و گذر عمرشان را بر این مینا گذاشته‌اند. منظورم کسانی است که همواره دلیلی برای نادیده گرفتن خویش و مقدم شمردن اطرافیان دارند و این را خیلی عادی می‌شمارند.



تردید ندارم که شما نیز چنین کسی را دیده‌اید - اگر خودتان جزو آنها نباشید؛ - که به خاطر فرزندان، پدر و مادر، همسر یا حتی نزدیکان دیگر مثل خواهر و برادر و غیره زندگی‌اش را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حتی تصمیم‌هایی می‌گیرد که انجام آن از نظر دیگران عجیب است و باور نکردنی نیست. او درس یا ادامه تحصیل را رها می‌کند، به خاطر بودن در کنار پدر و مادر؛ ازدواجی عجیب با آدمی غریب می‌کند به خواست یا صلاح دید دیگران؛ آسایش خود را فراموش می‌کند به دلیل راحتی همسر؛ سالها غم‌تنهایی را به جان می‌خرد، به منظور بزرگ کردن فرزندان؛ یا مشال‌هایی از این گونه که می‌دانیم بسیارند و پایان‌ناپذیر.

صحبت در این رابطه که آیا چنین کاری درست هست یا نه مستلزم بررسی مسائل گوناگون از جمله در نظر گرفتن شرایط و موقعیت است ولی به هر حال هیچ کس نمی‌پذیرد که یک نفر بدون انتظار، تمام زندگی

خود را پشت سر هم و به دلایل متوالی برای دیگری بگذارد که آرام آرام کارهای او را نمی بینند و از خودگذشتگی هایش را وظیفه می شمارند.

به راستی هم با مرور زمان تمامی آدم‌های اطراف او، فقط انتظار دارند که نقش همیشگی ایثارگر را بدون کم و کاست بازی کند و هیچوقت چیزی از زندگی برای خودش نخواهد - و سالهای سال حتی بر زبان نیز نیاورد!

روزی که داستان کتاب حاضر را می خواندم گاهی به همین حرفها فکر می کردم که بعضی‌ها آن اندازه خود و سرنوشت را به دست فراموشی می سپارند و نسبت به تمامی حوادث پیرامون احساس مسئولیت می کنند که حتی از دلخواسته‌ها و آرزوهایشان هم می گذرند و پا در راهی می گذارند که می تواند تمام آینده‌شان را به شکل دیگر رقم زند - همان گونه که در قسمتهایی از داستان تاریخ می دهد، ولی نه به اندازه‌ای که من ترسیم کردم!

به هر حال موضوع کتاب جذابیت کافی برای دنبال کردن دارد و خواننده شادان را با خود همراه می کند. ضمن آن که در مسیر قصه سؤالاتی را برایش طرح و او را وادار به نگاه کردن می سازد. نگاه به شخصیت‌های داستان که همیشه نمونه‌هایشان را در اطراف خویش داریم، یا شاید دقیق شدن در احوال یکی از آن شخصیت‌ها که خود ما باشیم. اگر قصه‌ها توانستند این مشابه سازی‌ها را در ذهن ما بیافرینند و تمثیلی شوند از زندگی جاری در اطراف ما، قصه‌گوها نیز به خواسته‌شان رسیده‌اند... آنها همین را می خواهند و بس.

تا دیگر روز، با قصه‌ای نو

و قصه‌گری دیگر...

بهمن رحیمی

مهرماه ۱۳۹۱ - تهران

